

با نگاهی به رویکردهای ده ساله جمهوری اسلامی ایران در روابط خود با جمهوری‌های حاشیه دریای خزر و آشنایی با عواملی که در شکل‌گیری روابط با آنان تأثیر داشته می‌توان نتیجه گرفت که در مجموع و با در نظر گرفتن عناصر و عوامل تأثیرگذار خارج از منطقه، تجربه جمهوری اسلامی ایران با همسایگان شمالی خود کم و بیش موفق بوده است. در حالی که ترکیه رقیب عمده ایران در منطقه با سیاستی عجولانه و با اتکاء به دکترین پان‌ترکیسم کوشیده تا جای پای خود را در ناحیه آسیای مرکزی و قفقاز به‌طور اعم و حاشیه دریای خزر به‌طور اخص محکم سازد، جمهوری اسلامی ایران با پرهیز از سیاستهای جنجالی بتدریج موقعیت نسبتاً خوبی را در این منطقه کسب می‌کند. در این میان جمهوری آذربایجان اساس سیاست منطقه‌ای خود را نزدیکی با ترکیه به‌عنوان پل ارتباط و سکوی پرش به سوی غرب قرار داده و روابط خود با جمهوری اسلامی ایران را نیز در همین چارچوب تنظیم می‌کند. این نگرش که مورد حمایت شرکتهای بین‌المللی نفتی نیز قرار دارد تاحدی روابط منطقه‌ای را مخدوش ساخته است.

در این میان واقعیتی که از دید جمهوری اسلامی ایران و قدرتهای خارجی در منطقه پوشیده نمانده، آینده ثبات سیاسی جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز است. طی ده سال اخیر به استثناء تاجیکستان، سایر جمهوری‌ها از ثبات سیاسی برخوردار

بوده‌اند. در سالهای اولیه پس از فروپاشی شوروی، اغلب ناظران معتقد بودند که ثبات سیاسی منطقه پابرجا نخواهد ماند. در اواسط دهه ۱۹۹۰، این اعتقاد قوت خود را از دست داد. لیکن در حال حاضر موضوع ثبات سیاسی و امنیت آسیای مرکزی و قفقاز مجدداً مورد بحث قرار می‌گیرد. با عنایت به اهمیت موقعیت این جمهوری‌ها و علی‌الخصوص جمهوری‌های حاشیه دریای خزر به بررسی کوتاهی از وضعیت آنان پرداخته می‌شود.

جمهوری آذربایجان

یکصدسال پیش آذربایجان نیمی از نفت مصرفی جهان را تولید می‌کرد. اینک جمهوری آذربایجان و شرکتهای عضو کنسرسیوم امیدوارند ذخایری را که اتحاد جماهیر شوروی نتوانسته بود استخراج کند به بازارهای جهانی برسانند. در سال ۱۹۹۸ نفت باکو تقریباً به یک آرزوی از دست‌رفته تبدیل شده بود. اما امروز شرایط دوباره تغییر کرده است. در سال ۲۰۰۰ سرمایه‌گذاری چندانی انجام نشد؛ ولی از شروع سال ۲۰۰۱ یک سرمایه‌گذاری ده میلیارد دلاری طی مدت پنج سال که از پیش طراحی شده بود تقریباً قطعی است. این مبلغ دو برابر ونیم کل تولید ناخالص داخلی آذربایجان است. باکو با روسیه در مورد رژیم حقوقی دریای خزر به توافقاتی رسیده که کنسرسیوم را راضی می‌کند، اما موضوع چگونگی عرضه بین‌المللی این نفت همچنان لاینحل باقی مانده است. گویا همه در انتظار سیاستهای خاورمیانه‌ای رئیس جمهور آینده نشسته‌اند.

در همین حال، غالباً سئوال مهمی در پایتخت‌های غربی بحث و گفتگو می‌شود. آذربایجان با درآمدهای نفتی تازه خود چه خواهد کرد. فساد مالی فراگیر و سازمان اقتصادی بازمانده از دوران کمونیسم امروز فاقد کارایی است. حیدر علی‌اف هفتاد و هفت ساله، قلب سالمی ندارد. اما از هم اکنون علاقمندی خود را به شرکت مجدد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۳ اعلام کرده است. الهام علی‌اف فرزند حیدر و مسئول شرکت نفت آذری در سال ۱۹۹۷ به

آقای پنج درصد آذربایجان معروف بود. لیکن مدتی است که لقب آقای ده درصد گرفته و نخبگان شهر نیز او را به عنوان جانشین پدر قبول کرده اند. محبوبیت او در میان مردم زیر سؤال است. حزب علی اف در انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۰ حدود هفتاد درصد آرا را به خود اختصاص داد؛ ولی ناظران بین المللی نسبت به چگونگی برگزاری انتخابات مذکور مظنونند. همین مسائل شرکتهای نفتی را نسبت به آینده سرمایه گذاری های خود در آذربایجان نگران می کند. ماهیت صنعت نفت مطلقاً با تردید و ابهام در مورد آینده شرایط کشور میزبان ناسازگار است. تحرکات و یکه تازی های ترکیه در آذربایجان و دیگر جمهوری های ترک زبان آسیای مرکزی و قفقاز نیز از نگرانی شرکتهای نفتی چیزی کم نمی کند، بلکه بعضاً آن را تشدید می کند.

جمهوری آذربایجان با ۷/۶ میلیون نفر جمعیت، در سال ۱۹۹۹ درآمد سرانه ای به میزان ۴۹۹ دلار داشت. علی رغم بسیاری از مشکلات، دولت در پاره ای موارد موفقیت هایی نیز داشته است. درآمد نفت معادل ده درصد رشد تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. نرخ برابری پول ملی ثبات دارد و تورم تقریباً وجود ندارد. ذیلاً جدولی از تعدادی از شاخص های اقتصادی جمهوری آذربایجان دیده می شود:

شاخص های اقتصادی جمهوری آذربایجان

شاخص ها	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰*	۲۰۰۱**
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	۱۰/۰	۷/۲	۱۰/۰	۸/۵
نرخ تورم	-۰/۸	-۸/۶	۱/۸	۳/۲
موازنه بازرگانی (میلیارد دلار)	-۱/۰	-۰/۴	-۰/۱	+۰/۱
موازنه حساب جاری بازرگانی (درصد از تولید ناخالص ملی)	-۳۲/۶	-۱۵/۰	-۳/۰	-۴/۹
موازنه بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی)	-۴/۲	-۲/۸	-۲/۴	-۲/۰

ECONOMIC INTELLIGENCE, EIU، دسامبر ۲۰۰۰

۱. برآورد.

۲. پیش بینی.

قزاقستان

افزایش قیمت جهانی نفت به اقتصاد قزاقستان بیش از کلیه جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی سابق کمک کرد. تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۰ معادل ده درصد رشد پیدا کرد و کسری بودجه دولت تقریباً از بین رفت. مدیریت مؤسسات اقتصادی دولتی نیز نسبت به سایر جمهوری‌ها عملکرد بهتری دارد. به اعتقاد اقتصاددانان غربی و مدیران شرکتهای خارجی، بانک مرکزی خوب اداره می‌شود و بر سیاستهای پولی کشور کنترل مطلوبی را اعمال می‌کند. تورم تحت کنترل قرار دارد؛ ولی در عین حال ارزش پول ملی بی‌رویه بالا نیست.

افزایش قیمت نفت جنبه‌های مثبتی داشته، لیکن پاره‌ای سیاستهای رفورمیستی را نیز به تأخیر انداخته است. خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی در شرکتهای بزرگ که قرار بود از سال ۱۹۹۷ شروع شود تاکنون عملی نشده و دولت و مؤسسات دولتی مجدداً تسلط خود را بر شئون اقتصادی تحکیم می‌کنند. برنامه اصلاحات مالیاتی و کاهش یارانه‌ها نیز به تعویق افتاده است. برخلاف جمهوری آذربایجان، دولت قزاقستان نسبت به شرکتهای خارجی روابط چندان دوستانه‌ای ندارد. در موارد اصلاح قوانین مالیاتی و افزایش مالیات‌ها متوجه شرکتهای نفتی خارجی شده است. شرکتهای خارجی سهم نسبتاً بالایی در مالیات‌های پرداختی به دولت دارند. شرکت نفتی شیورون در ماه نوامبر ۲۰۰۰ نسبت به افزایش یکجانبه نرخ مالیات بر درآمد خود از عملیات نفتی در خاک قزاقستان سخت دلگیر شد و دولت را تهدید به توقف برخی از عملیات اکتشافی نمود. شرکتهای خارجی همچنین سهم بالایی در میزان صادرات نفت قزاقستان دارند.

قزاقستان بالاترین میزان سرانه سرمایه‌گذاری خارجی در کل جمهوری‌های شوروی سابق را در اختیار دارد. این جمهوری با جمعیتی کمتر از یک‌دهم روسیه، معادل پنجاه درصد سرمایه‌گذاری خارجی در روسیه را به خود اختصاص داده است. علی‌رغم پاره‌ای سخت‌گیری‌های دولت، نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی در سال ۲۰۰۰، این جمهوری ۱/۵

میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کرد. در ژوئیه ۲۰۰۰ دولت پالایشگاه نفتی را که خصوصی کرده به شرکت آمریکایی سی.سی.ان. دوپل فروخته بود مجدداً دولتی کرد. همچنین شرکت نفتی تراکتابل بلژیک که در عملیات پایین دستی نفتی و عرضه فرآورده‌ها مشغول بود، عملیات خود در قزاقستان را متوقف کرد و از این جمهوری خارج شد.

قزاقستان، یکی از نمونه‌های مشخص رژیم پارلمانی به سبک آسیای مرکزی و قفقاز است. مجلس قزاقستان در ژوئن ۲۰۰۰ نورسلطان نظربایف را رئیس جمهوری مادام‌العمر معرفی کرد. نظربایف از سر لطف به ملت و مجلس و پس از اصرارهای زیاد به این خواست پارلمان تن در داد. در چارچوب همین مصوبه مجلس، هرگونه اهانت نسبت به رئیس جمهور از سوی هر فرد و یا مرجعی منع قانونی در پی دارد. البته فساد مالی در قزاقستان نسبت به آذربایجان و بسیاری دیگر از جمهوری‌های شوروی سابق پایین تر رفته است.

قزاقستان با پانزده میلیون نفر جمعیت درآمد سرانه‌ای به میزان ۱۰۵۸ دلار دارد. در ذیل جدولی از تعدادی از شاخص‌های اقتصادی قزاقستان ارائه شده است:

شاخص‌های اقتصادی قزاقستان

شاخص‌ها	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	-۱/۹	۱/۷	۱۰/۰	۵/۸
نرخ تورم	۷/۳	۸/۴	۱۳/۰	۶/۳
موازنه بازرگانی (میلیارد دلار)	-۰/۸	۰/۳	۱/۳	۱/۹
موازنه حساب جاری (درصد از تولید ناخالص ملی)	-۵/۶	-۱/۱	۵/۷	۲/۱
موازنه بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی)	-۷/۷	۳/۵	-۱/۵	۱/۹

ECONOMIC INTELLIGENCE, EIU، دسامبر ۲۰۰۰، بانک اروپایی برای توسعه و بازرسازی

(EBRD)، ژانویه ۲۰۰۱

ترکمنستان

ترکمنستان تنها جمهوری از میان جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز است که هنوز سیستم برنامه‌ریزی مرکزی دوران اتحاد جماهیر شوروی را حفظ کرده است. دولت ترکمنستان در سال ۲۰۰۰ یک برنامه بالنسبه جاه‌طلبانه ده ساله را با اتکاء به منابع مالی دولتی و داخلی تصویب کرد؛ ولی هنوز مشخص نیست که منابع مالی این برنامه چگونه تأمین خواهد شد. در این جمهوری بخش خصوصی بسیار محدود و ضعیف است.

جمهوری ترکمنستان یکی از غنی‌ترین منابع گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد ولی به جز آنچه که از زمان شوروی سابق به بهره‌برداری رسید، سرمایه‌گذاری جدیدی صورت نگرفته است. دولت ترکمنستان با شکیبایی در انتظار تصمیم بزرگترها در مورد مسیر خط لوله‌هاست تا گاز خود را به بازارهای جهانی برساند ولی فعلاً این گاز با حداقل قیمت ممکن فقط به روسیه منتقل می‌شود. دولت تمایلی به جلب سرمایه خارجی از خود نشان نمی‌دهد. روابط با غرب و آمریکا سرد است و برای مبادله با همسایگان نیز چیز چندانی تولید نمی‌شود. دولت ترکمنستان با مسکو نیز روابط چندان حسنه‌ای برقرار نکرده، زبان روسی از دروس مدارس و مؤسسات حذف شده و زبان ترکمنی جایگزین شده است.

در ترکمنستان شخص صفر مراد نیازف به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین پدیده در همه جا حضور دارد. مجسمه‌های کوچک و بزرگ و بعضاً عظیم او در پایتخت و تمام شهرها و بلکه روستاها برپاست. مخالفین سخت تحت کنترل هستند. شورایی متشکل از کارکنان سابق سازمان کا.گ.ب. به تمام حساب‌های بانکی و شخصی افراد اعم از ترکمن یا خارجی نظارت می‌کنند و سرمایه‌گذاران خارجی عناصر نامطلوب محسوب می‌شوند. در سال ۱۹۹۹ جمعیت ترکمنستان ۴/۷ میلیون نفر و درآمد سرانه آن ۳۸۲ دلار بود. در زیر جدول برخی از شاخص‌های اقتصادی دیده می‌شود. جالب توجه است که نیازف توانسته با اتکاء به همین سیاست اقتصادی درون‌گرای قرن بیستمی خود و در چارچوب مشکلات و محدودیت‌های موجود، تورم را به‌طور سنتی تحت کنترل قرار داده و موفق شده که نرخ رشد اقتصادی بالایی را کسب کند.

شاخص های اقتصادی ترکمنستان

شاخص ها	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	۵/۰	۱۶/۰	۱۸/۰	۹/۰
نرخ تورم	۱۶/۸	۲۴/۲	۷/۰	۱۴/۰
موازنه بازرگانی (میلیارد دلار)	۰/۵	۰/۲	۰/۶	۰/۳
موازنه حساب جاری (درصد از تولید ناخالص ملی)	-۳۸/۸	-۲۸/۲	-۸/۶	-۱۳/۹
موازنه بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی)	-۲/۷	۰/۹	-۴/۳	۰/۵۹

ECONOMIC INTELLIGENCE, EIU دسامبر ۲۰۰۰

روسیه

وضعیت قیمت جهانی نفت و ارزش بالنسبه پایین روبل در دو سال گذشته به اقتصاد روسیه تحرک تازه ای بخشیده است. تولید ناخالص داخلی روسیه در سال ۲۰۰۰ نزدیک به هفت درصد رشد داشت. این نرخ رشد در طول سی و دو سال اخیر در روسیه سابقه نداشته است. دگرگونی ها و تحولات ساختاری اقتصاد روسیه کاملاً مثبت بود. بخش مهمی از این موفقیت مدیون نرخ بالای هجده درصدی سرمایه گذاری در این کشور است. در بخش صنعت برخلاف بافت سنتی قبلی اقتصادی روسیه، روند تولیدات کالاهای مصرفی و کم دوام رشد زیادی پیدا کرد. نسبت مبادلات تهاتری روسیه حتی با جمهوری های تازه استقلال یافته در کل تجارت خارجی روسیه به سود شیوه مبادلات متداول بین المللی در حال کاهش است. کسری بودجه تقریباً محو شده و نرخ رشد بیکاری تقلیل پیدا کرده است.

دولت اقداماتی را برای مقابله با فساد مالی و مسائل مرتبط با آن شروع کرده است. یکی از نمونه های آن اقدام دولت در اقامه دعوی علیه بوریس برزوسکی و ولادیمیر گرزینسکی بود که گفته می شود در جریان برنامه های خصوصی سازی دوران یلتسین شرکتهای دولتی را به بهای

ارزانی خریداری کرده‌اند. این دو نفر از روسیه خارج شده‌اند و در صورت مراجعت زندانی خواهند شد. در هر صورت هیچ فردی تا این زمان به اتهام فساد مالی و پرداخت و یا دریافت رشوه با مشکل جدی مواجه نشده است. خصوصی‌سازی‌های یک سال اخیر در روسیه از جنبه مالی سؤال برانگیز نبوده‌اند. پوتین افراد معتمد خویش را به مدیریت مؤسسات خصوصی شده (و یا به عبارتی غیردولتی شده) گمارده است. از جمله این موارد خصوصی‌سازی شرکت‌های نفت و گاز روسیه نظیر شرکت نفتی اوناکو می‌باشد. به نظر نمی‌رسد که دولت روسیه در تدارک اقدامات گسترده‌ای برای بازپس‌گیری و یا حساب‌کشی از شرکت‌هایی که قبلاً خصوصی شده‌اند باشد. به گفته معاون نخست وزیر در شرایطی که وضعیت اقتصادی مطلوب باشد و جامعه احساس مثبتی نسبت به آینده داشته باشد، زمینه تقلب و فعالیت‌های ناسالم در شرکتها کاهش پیدا می‌کند. روند سرمایه‌گذاری خارجی در روسیه نیز بالنسبه مطلوب ارزیابی می‌شود.

باتوجه به جمعیت زیاد و بازار بالقوه بزرگ روسیه، سرمایه‌گذاران بین‌المللی به فعالیت در زمینه تولید کالاهای مصرفی علاقمندی نشان می‌دهند. صنایع نفت و گاز نیز مورد توجه شرکت‌های خارجی قرار دارد. در سال ۲۰۰۰ حدود هفتاد و سه درصد سرمایه‌گذاری‌های خارجی در روسیه به مؤسسات اروپایی تعلق داشت. شرکت‌های آمریکایی و ژاپنی هنوز متقاعد نیستند که شرایط نسبتاً مناسب اقتصادی و فعلی تاچه اندازه پایدار خواهد بود.

هنگامی که ولادیمیر پوتین در سال ۱۹۹۹ برای اولین بار در صحنه سیاسی روسیه ظاهر شد، توجه جهانی را به خود جلب کرد. اغلب ناظران سیاسی معتقد بودند که پلتسین انتخابی ضعیف و معمولی کرده است. اما در طول یک سالی که از به قدرت رسیدن وی می‌گذرد، پوتین کانون توجهات داخلی و بین‌المللی گردیده است. در داخل، پوتین به‌طور روزافزونی بر دامنه و عمق قدرت خویش افزوده و نفوذ استانداران را سخت محدود ساخته است. برنامه اصلاح ساختاری نظام مالیاتی روسیه که طی دهه‌های طولانی دست نخورده باقی مانده بود به عبارتی یک انقلاب بزرگ محسوب می‌شود.

در ذیل جدول شاخص‌های عمده اقتصادی روسیه دیده می‌شود:

شاخص های اقتصادی روسیه

شاخص ها	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	-۴/۶	۳/۲	۶/۵	۴/۰
نرخ رشد تولیدات صنعتی	-۵/۲	۸/۱	۹/۰	۵/۰
نرخ رشد تورم	۲۷/۶	۸۵/۷	۲۰/۰	۱۵/۰
نرخ بیکاری	۱۳/۳	۱۲/۲	۱۰/۰	۱۱/۰
صادرات (میلیارد دلار)	۷۴/۲	۷۴/۴	۱۰۰/۰	۹۰/۰
واردات (میلیارد دلار)	۵۸/۹	۴۱/۰	۲۷/۰	۵۵/۰
موازنه حساب جاری (درصد از تولید ناخالص داخلی)	۰/۸	۱۳/۶	۳/۰	۰/۰
موازنه بودجه (درصد از تولید ناخالص داخلی)	-۵/۰	-۱/۶	۳/۰	۰/۰
سرمایه گذاری مستقیم خارجی (میلیارد دلار)	۲/۸	۲/۹	۳/۵	۵/۰

بانک اروپایی برای توسعه و بازسازی (EBRD)، بانک جهانی، گزارش ویژه روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز،

سپتامبر ۲۰۰۰

دولت روسیه در پیشبرد اهداف و سیاستهای منطقه‌ای و بین‌المللی خود کم‌وبیش مستقل عمل می‌کند. از بحران چین گرفته تا همکاری نزدیک با جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف، پوتین اهمیت چندانی به فشار واشنگتن نمی‌دهد. در عین حال، برخی تحلیل‌گران آمریکایی معتقدند که در پشت صحنه سیاسی دولت روسیه، یلتسین کماکان فعال است. بسیاری از یاران و نزدیکان وی همچنان در اطراف پوتین گرد هم آمده‌اند و کمتر کاری است که از دید یلتسین مخفی بماند. در صحنه سیاست بین‌المللی موقعیت روسیه کم‌وبیش حاشیه‌ای است و در بازی‌های اصلی حضور چندانی ندارد. تحلیل‌گران آمریکایی معتقدند که

مهمترین حربه سیاسی منطقه‌ای روسیه در مقابل آمریکا، جمهوری اسلامی ایران است و مسکو بخش قابل ملاحظه‌ای از روابط خود در منطقه وسیعی از آسیای مرکزی و قفقاز تا خلیج فارس و خاورمیانه با آمریکا را از طریق روابط میان خود با ایران تنظیم می‌کند. روسیه در تلاش برای تقویت موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای خود حتی می‌کوشد تا به سازمان اوپک ملحق شود و اقداماتی را نیز شروع کرده است. اما روسیه در مورد توانایی جمهوری اسلامی ایران در پیش‌راندن اهداف خود در پیوستن به اوپک مطمئن نیست و می‌داند که می‌بایستی اعضاء مهم دیگری را نیز در این سازمان متقاعد سازد. روسیه همچنین از معادله جمهوری اسلامی ایران بویژه در مورد رژیم حقوقی در دریای خزر و خط لوله ترانزیت نفت و گاز در روابط با جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز به سود خود استفاده می‌کند.

از اوایل دهه ۱۹۷۰ که اولین میدان بزرگ نفتی روسیه به بهره‌برداری رسید و این کشور در زمره تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده نفت قرار گرفت، درآمدهای نفتی و نوسانات آن همواره به‌عنوان یکی از مهمترین عناصر مؤثر در اقتصاد روسیه عمل کرده است. برخی صاحب‌نظران تا آنجا پیش رفته‌اند که سقوط بهای جهانی نفت از اواسط دهه ۱۹۸۰ را عامل اصلی فروپاشی شوروی سابق قلمداد می‌کنند.

گورباچف به عنوان یک شخصیت سیاسی قابل پذیرش پوتین که انگیزه سیاسی برای بازگشت به قدرت ندارد و در عین حال فردی که دوستان فراوانی در غرب دارد تلاش گسترده‌ای را به منظور جلب حمایت بین‌المللی برای مسکو و جذب سرمایه‌گذاری خارجی آغاز کرده است. وی اینک به‌عنوان نماینده اقتصادی مورد تأیید مسکو و غرب با شرکتهای خارجی مذاکره می‌کند. گورباچف همچنین برای افزایش صادرات روسیه به آمریکا و کشورهای غربی فعالیت‌هایی را آغاز کرده است. در ذیل جدول روابط بازرگانی روسیه و آمریکا دیده می‌شود:

روابط بازرگانی روسیه و آمریکا (برحسب میلیارد دلار)، (۱۹۹۵-۲۰۰۰)

شاخص‌ها	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
حجم تجارت	۷/۲	۸/۰	۸/۹	۹/۵	۷/۴	۸/۰
صادرات	۴/۵	۵/۱	۴/۸	۵/۳	۵/۰	۵/۲
واردات	۲/۶	۲/۹	۴/۱	۴/۲	۲/۴	۲/۸
مازاد تجاری	۱/۹	۲/۱	۰/۶	۱/۲	۲/۶	۲/۴

مأخذ: وزارت بازرگانی روسیه، گزارش سه ماهه دوم و سوم سال ۲۰۰۰

طی یک قرن اخیر ایران همواره با همسایگان خود مشکلات ارضی داشته و در هر برهه‌ای از زمان، این مشکلات خود را به شکلی نشان داده‌اند. در شرایط حاضر مقوله حاکمیت بر ذخایر و منابع دریای خزر به‌عنوان تازه‌ترین مسئله ارضی ظاهر گردیده است. زمان نیز به زیان جمهوری اسلامی ایران در حرکت است. امکان برپایی یک بازار مشترک انرژی و یا اتحادیه نفت و گاز کشورهای حاشیه دریای خزر که در آن به شکلی تجاری ذخایر و درآمدهای حاصل از تولید انرژی در منطقه خزر قابل تقسیم باشد، ممکن است مسئله رژیم حقوقی دریای خزر را به فاز متفاوتی انتقال دهد. بدون تردید شرکتهای بین‌المللی نفتی که نسبت به ذخایر این ناحیه نگرشی بلندمدت و استراتژیک دارند از وجود معضلی به نام رژیم حقوقی دریای خزر نگرانند. بی‌شک این امر در جمهوری‌های تازه استقلال یافته دریای خزر که با مشکل مشروعیت و قانونمداری سیاسی نیز مواجه‌اند با مخاطراتی جدی روبروست.

دکتر فریدون برکشلی

نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل - وین



ثروء بشكاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی